

روایت تاریخ به زبان تطریز



روایت تاریخ به زبان تطریز

دو کارگاه برای آشنایی با تطریز در خانه هفت دست برگزار شد. آزاده ثبوت مدرس و محقق پسادکتری (در دانشگاه کوینز بلفاست) در این دو جلسه سوزن دوزی تطریز را به عنوان زبانی برای روایت تاریخ فرهنگی فلسطین از سوی زنان معرفی کرد و کثرت آن را شرح داد.

در این ارائه تاریخیچه سوزن دوزی در فلسطین، دگرگونی آن در طول زمان و نقش آن در فرهنگ و مقاومت فلسطین را مورد بررسی قرار گرفت و از خلال تاریخ نگاری و مستندسازی لباس های زنان در دوره ها و مناطق مختلف، لباس های زنان فلسطینی به عنوان متن های زنده ای جامعه، فرهنگ و تاریخ فلسطین خوانده شد.



تطریز و مقاومت در فلسطین بهم پیوند خورده اند. تطریز در دوره انتفاضه یکی از راه هایی است که اقتصاد فرهنگی و تاریخ فرهنگی مبارزه را توأمان حفظ می کند. آزاده ثبوت که در فاصله سال های ۲۰۱۹ و دو هزار و ۲۰۲۱ در قالب یک پروژه پسادکتری، به مستند سازی نقش هنرمندان در فرآیند های عدالت انتقالی، بازسازی شهری و ترمیم امید اجتماعی در فضای پسانقلاب سوریه پرداخته، در

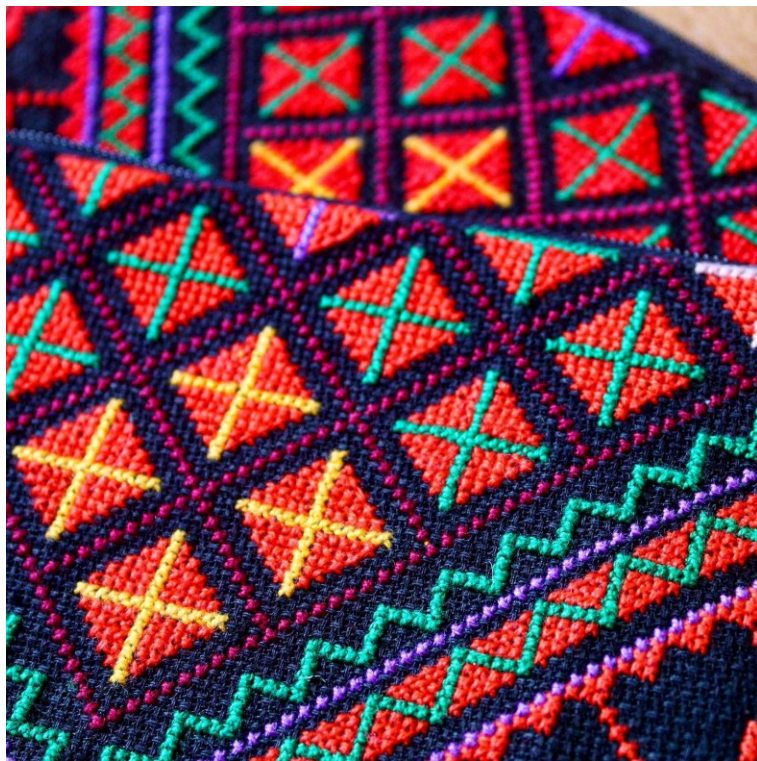
پژوهش های میدانی اش بیشتر به محاورات مربوط به حاشیه‌ی هنر توجه کرد. او در اردوگاه شاتیلا با زنانی آشنا شد که در سال های اخیر از یرموک آواره شده بودند. یرموک در حاشیه دمشق و با جمعیتی حدود صد و شصت هزار نفر، بزرگترین اردوگاه فلسطینی در غرب آسیا و مقرر نویسندگان و هنرمندان فلسطینی در تبعید بود. برخی از زنان فلسطینی آواره شده از یرموک در اردوگاه شاتیلا کارگاه های کوچکی برای آموزش و طراحی تطریز (سوزن دوزی فلسطینی) راه اندازی کرده بودند. گفتگو با این زنان و مشاهده تلاش هایشان برای ایجاد یک اقتصاد جمعی در وضعیت بحران، فهم جدیدی از چیستی تطریز به او بخشید.



استودیو شاتیلا



اردوگاه شاتبلا



ثبوت در ارائه این تجربه ادعان داشت که اشیا نیز همچون آدم ها، قربانی آوارگی می شوند و تحت تبعید قرار می گیرند. این اشیاء چیزی بیش از یک یادگاری هستند. آنها بازماندگان، شاهدان و حاملان داستان ها هستند. لباس های زنان فلسطینی چیزی بیشتر از پوشاک معمولی است، این ها شاهدان و راویان تاریخ اجتماعی فلسطین اند. هر لباس و تابلوی دوخته شده شکلی از داستان سرایی فلسطینی است. الگوهای سوزن دوزی زبان باورنکردنی خود را دارد و نشان دهنده ارتباط بین زنان فرهنگ است و بر اساس تحقیقات، کار میدانی و مصاحبه با زنان سوزن دوز فلسطینی و مشارکت در نمایشگاه های تطریز با نور تاباندن بر قدرت مادی سوزن دوزی های فلسطین، می توانیم لباسهای تاریخی زنان فلسطینی را در کنار صدای زنانی که امروز به سوزن دوزی ادامه می دهند قرار دهیم.



یوم النکبه ۲۰۱۵ - اردوگاه البداوی

در تصویری که پژوهش ثبوت به ما ارائه می دهد «تطریز» یک هنر مردمی فلسطینی (فولک) با قدمت چند صد ساله است که مادران روستایی از کودکی به دختران خود آموزش می دهند. این هنر برای فلسطینی ها، به ویژه زنان، چیزی ورای یک هنر تزئینی است. تطریز یک میراث خانوادگی است و به عنوان پیوند بین زنان و روستا یا جامعه آنها دیده می شود. برای بسیاری، این دوخت نمایانگر تاریخ و مصیبت آنها، داستانهایشان، احساسات آنها در مورد جنگ، خشونت و اشغال است. مادران و دختران در حالی که فنجان قهوه می نوشند بر روی طرح های تطریز خود با هم کار می کنند. آنها نه تنها طرح های زیبا بر روی پارچه می زنند، بلکه هویتی ایجاد می کنند که به فلسطینی های دیاسپورا و کسانی که در سراسر جهان در تبعید به سر می برند کمک می کند از نظر معنوی به خانواده، وطن و فرهنگ خود نزدیک تر شوند.





زن فلسطینی در دهه ۱۹۲۰ رام الله؛ آلبوم خانوادگی ۱۹۳۹

آزاده ثبوت در این باره خاطره ای از حضورش در اردوگاه های فلسطینی تعریف کرد:

«در یکی از مصاحبه های تاریخ شفاهی که با بازماندگان نکبت (نسل اول آوارگان فلسطینی) در لبنان انجام می دادم زن کهنسالی رویداد های سال های آخر زندگی در فلسطین و وقایعی که به آوارگی خانواده اش منجر شده بود را شرح می داد. از او پرسیدم دقیقا از چه زمانی متوجه شدید که شرایط دیگر عادی نیست؟ گفت: از زمانی که مجبور شدیم روغن زیتون مورد نیازمان را از مغازه تهیه کنیم. تا پیش از آن دست دادن زمین های مان خودمان تولید کننده زیتون بودیم و از فروش آن امرار معاش می کردیم. حیات ما به زیتون وابسته بود. زیتون غذای ثابت سفره های ما بود. ما از روغن زیتون در خانه هایمان برای پخت و پز، شست و شو، تسکین درد، آرایش و مصارف دیگر استفاده می کردیم. حالا روزی رسیده بود که باید زیتون مورد نیاز خود را از مغازه دارها می خریدیم.»

تطریز



هنرمندان تطریز در الخلیل

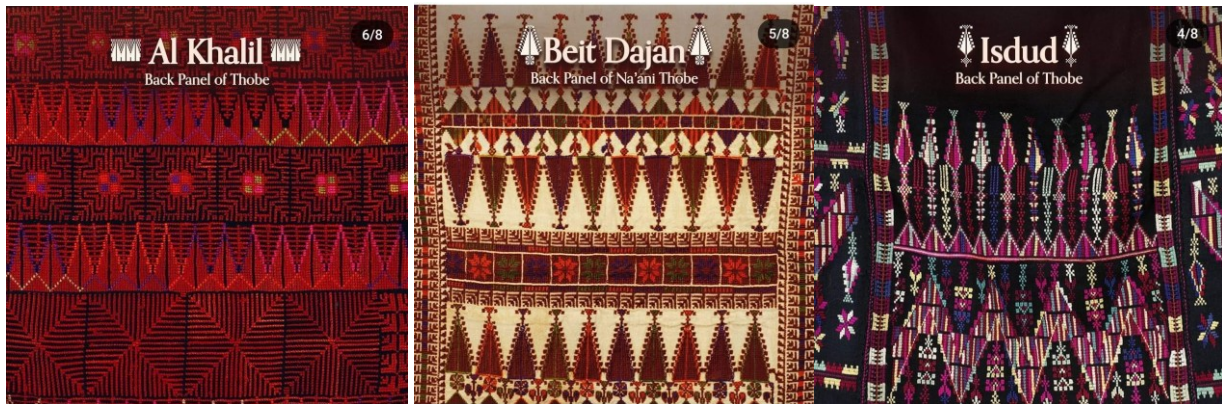
در شرح تطریز باید گفت که سوزن دوزی سنتی فلسطینی به دلیل غنای چشمگیر دوخت متقاطع خود - ترکیبی مسحورکننده از اشکال و رنگ‌ها که به طرز مجللی سطح پارچه را تزئین می‌کند، شناخته می‌شود. این نوعی طراحی گرافیکی باستانی است که در آن گلدوزی‌ها به دقت شکل‌ها و رنگ‌های پیچیده را ترکیب می‌کنند و این الگوهای دوخت متقاطع را روی سینه، آستین‌ها و دامن‌های لباس‌های سنتی می‌سوزند.



بسیاری از نقوش سوزن دوزی، محیط طبیعی زیبای فلسطین را به تصویر می کشند، مانند درختان سرو، خرما و شکوفه های پرتقال، در حالی که برخی دیگر اشیای روزمره از زندگی فلسطینی ها هستند، مانند سرمه و طلسم، یا پا و پر مرغ. همچنین نقوشی وجود دارد که از ریشه های فرهنگی یا تاریخی گرفته شده است، مانند ستاره کنعانی، خیمه پاشا و جاده مصر.

نقوش با اندازه بزرگتر اغلب به عنوان بلوک های ساختمان اصلی طرح استفاده می شود در حالی که موتیف های کوچکتر روی حاشیه ها قرار می گیرند یا نقش پرکننده طرح را ایفا می شوند. در حالی که تعداد دقیق نقوش تطریز ناشناخته باقی مانده است، می توان با خیال راحت تخمین زد که صدها نقوش سوزن دوزی فلسطینی هستند که به دست ها امکان بی نهایت ترکیب برای طراحی را می دهد.

درخت در تطریز



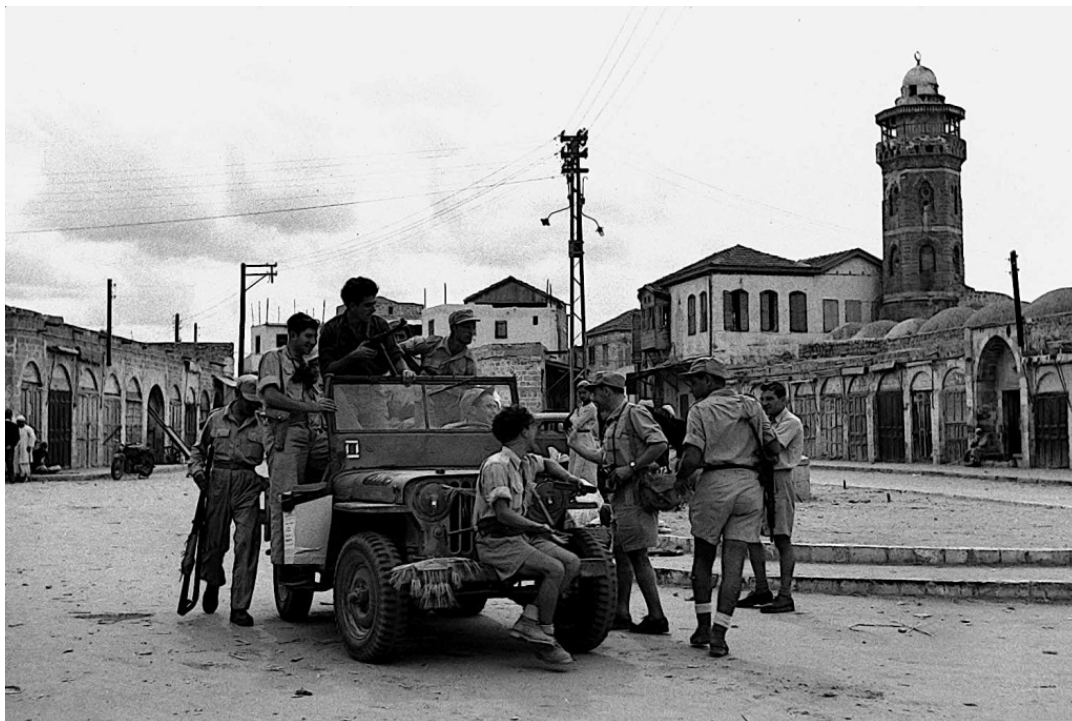
اگرچه در اخبار بین المللی منعکس نمی شود، اما رژیم استعماری و جمعیت اشغالگر آن به طور مداوم زیست بوم فلسطین را مورد حمله قرار می دهند. آنها هزاران هکتار از زمین های کشاورزی و باغ های زیتون را به طور عمدی مسموم، سوزانده و تغییر شکل داده اند و از سال ۱۹۶۷ حدود ۲.۵ میلیون درخت را از ریشه کنده اند. در سال ۲۰۲۲، سربازان ارتش اشغالگر ۲۰۰۰ درخت زیتون را در کرانه باختری از بین بردند و صدها درخت دیگر را با آفت کش ها آغشته کردند. در حالی که تنها در ژانویه سال ۲۰۲۳، شهرک نشینان ۳۵۰ درخت زیتون را قطع کردند و تا اواسط سال ۲۰۲۳ به ۵۰۰۰ درخت دیگر آسیب رساندند.

این در حالی است که درختان در فلسطین عضوی از خانواده هستند. آنها وجود دارند تا شما را تغذیه کنند، شفا دهند و از شما مراقبت کنند. چگونه می توانی یکی از اعضای خانواده را از ریشه در بیاوری و این سرزمین را مال خود بدانی؟



تطریز نمایانگر فرهنگ روستاهای فلسطینی

در زمستان ۱۹۴۸، در جریان نكبه، نظامیان صهیونیست شهر را به توپ بستند و ساکنان آن را بیرون کردند. میراث مجدال که زمانی در میان روستاهای منطقه تاریخی غزه مورد احترام بود، کم رنگ شده است و بقایای آن اکنون به عنوان بخشی از شهر اشغالی اشکلون شناخته می شود. چند خانواده زمانی که مجبور به ترک خانه هایشان شدند توانستند ابزار بافندگی خود را ببرند. برخی از آنها حتی پس از رانده شدن به کمپ های پناهندگان در جایی که اکنون به عنوان نوار غزه شناخته می شود، توانستند به حرفه خود ادامه دهند.



نیروهای رژیم صهیونیستی در مجدل عسقلان در جریان تهاجم نیروهای صهیونیستی ۱۹۴۸

پارچه مجدلاوی که با پایه نیلی و پانل‌های پر جنب و جوش بنفش، سرخابی یا سبز دیده می‌شود، بیشتر لباس‌های این منطقه را زینت می‌داد.



۱۹۳۴ بافنده ای در مجدل عسقلان - یکی از پر رونق ترین مراکز بافندگی فلسطین

تطریز یا سوزن دوزی فلسطینی، نمادی از سبک زندگی سنتی روستایی فلسطین است که بیشتر آن پس از ایجاد رژیم اسرائیل در سال ۱۹۴۸ از بین رفت. تطریز زینت بخش لباس زنان روستایی بود و بخشی از مناسک روزانه زنان روستایی و وسیله ای برای نشان دادن مهارت های شخصی و هویت اجتماعی آنها بود. الگوها، رنگ ها و کیفیت لباس نشان دهنده جایگاه اجتماعی، وضعیت تاهل و ثروت یک زن بود.

اگرچه چشم انداز فرهنگی فلسطین در صد سال گذشته به طور چشمگیری تغییر کرده است، سوزن دوزی های متقاطع همچنان یک هنر دستی پر جنب و جوش باقی مانده است، زیرا برای بسیاری از فلسطینی ها یادآور فلسطین در دوران پدربزرگ و مادربرگشان است.



رام الله

برای قرن ها، تا اواخر دهه ۱۹۴۰، زنان در روستاهای فلسطینی لباس های تونیک دوزی شده ای به نام ثوب می پوشیدند. در این میان زنان شهری لباس هایی شبیه به سبک اروپایی یا عثمانی می پوشیدند. طرح کلی چانه زن گواهی زنده بر هویت او بود. این نه تنها منطقه ای که او از آنجا می آمد، بلکه حتی اوقات روستای دقیق را نشان می داد. اکثر لباس های روستایی در مناطق مرکزی و جنوبی کشور دارای نقش مربع در ناحیه سینه بودند. با این حال، به ویژه در اشدود و منطقه شمالی غزه، لباس ها چیزی منحصر به فرد را به رخ می کشیدند:

یک الگوی V



chest panel,
qabbeh



Gaza area dress from the Majdal, Isdud & Asqalan area
the Sadie al Tell Collection



شکل روی سینه شبیه یک گردن‌بند، که مترادف با روستاهای غزه شده است. زنان آن روزگار از این الگو به عنوان قیلابه یاد می‌کردند که کلمه عربی برای گردن‌بند است.

مانند بسیاری از سوزن‌دوزی‌های فلسطینی، الگوهای روی لباس‌های روستایی با استفاده از دوخت متقاطع ساخته می‌شد که در آن دوخت‌های صلیبی شکل طرح را تشکیل می‌دادند.

تطریز در اردوگاه

بسیاری از زنان و دختران فلسطینی پس از آوارگی در کشورهای همسایه، کرانه باختری و نوار غزه، به تمرین دوخت‌های صلیبی و الگوهای منحصر به فرد هر منطقه ادامه دادند. استعداد و کارآفرینی از گروه‌هایی از زنان در اردوگاه‌های پناهندگان پدیدار شد که الگوهای لباس‌ها، اکسسوری‌ها و وسایل خانه را برای ایجاد درآمد برای خانواده‌های خود سوزن‌دوزی می‌کردند. علیرغم کوچ‌های

اجباری بی رحمانه، زنان توانسته اند این سنت ها را حفظ کنند، و الگوهای سوزن دوزی در طول سال ها از طریق پناهندگانی که به اجبار از این روستاها به مکان هایی مانند غزه یا اردن تبعید شده اند، باقی مانده است.



انعاش المخيم الفلسطيني

در بیروت به عنوان نمونه ای است که امروزه نیز پر رونق است

تطریز به مثابه مقاومت

تطریز هنری منحصر به فرد است که در مسیر طولانی خود در روستاها، شهرها و اردوگاه های فلسطینی تکوین پیدا کرده و هر نسلی چیزی به آن افزوده است.



لباس عروسی قدیمی

در طول انتفاضه اول، ۱۹۹۳-۱۹۸۷، «لباس های انتفاضه» توسط زنان ساکن در اردوگاه های پناهندگان و روستاهای کرانه باختری و نیز توسط کسانی که در دیاسپورا بودند، دوخته و پوشیده شد. زمانی که نمادهای فلسطینی در انظار عمومی ممنوع بود، نقوش سنتی با کبوتر، تفنگ و نشانه های وفاداری به احزاب سیاسی با رنگ های ملی گلدوزی می شد. لباس های انتفاضه با گلدوزی هایی که دوخت آنها ماه ها و سال ها طول می کشید، قدرت مفهومی و روانی انتفاضه را به میانجی کار زنان به نمایش می گذاشت.

در اواخر دهه ۱۹۸۰ انتفاضه اول، زنان برای اعتراض نمادهای مقاومت را به لباس های خود می دوختند. مجموعه ای از لباس هایی که پرچم و رنگ های ممنوعه فلسطین در آن زمان را نشان می دهند.



«اکنون وقتی چیزی را برای اعتراض می‌سازیم، مشخصه آن سرعت است - اعتراض خود را با رسم یک علامت یا چاپ کردن یک شعار نشان می‌دهیم.»

اما سوزن زدن این لباس‌ها، در شرایط واقعاً دشوار، سال‌ها طول می‌کشید. زنان معمولاً قبل از اینکه شب‌ها مخفیانه سوزن بزنند، برای خریدن رنگ‌های مختلف نخ با هم هماهنگ می‌کردند تا دیگران از هدف آنها آگاه نشوند. چیزی در مورد طول عمر ساخت آن وجود دارد که ماهیت مبارزه را منعکس می‌کند.



لباس به مثابه پرچم

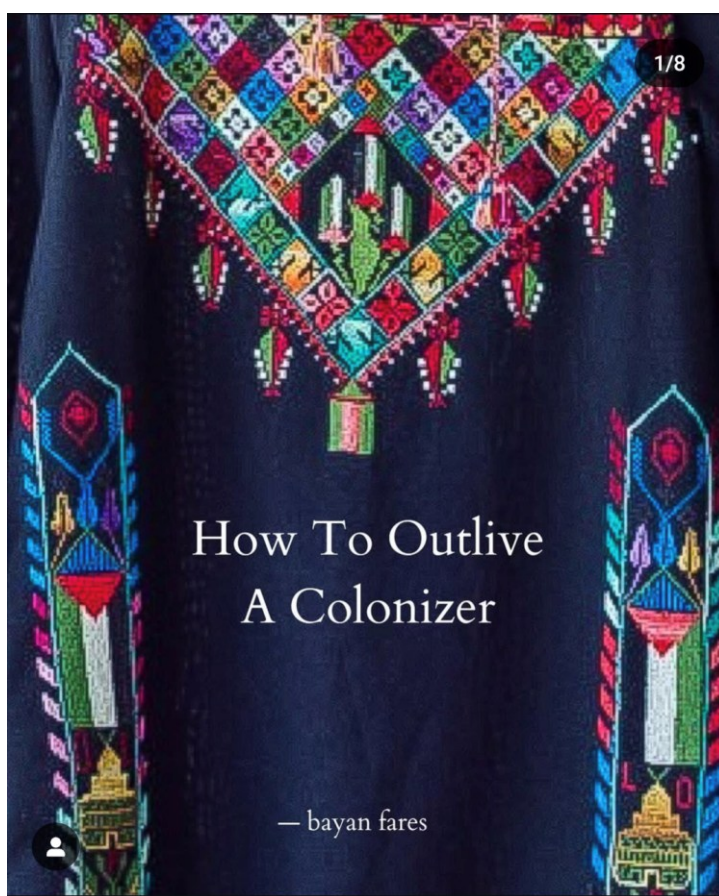
حاشیه نشینی بر لباس ها با اشعار، نمادهای ملی، و پرچم فلسطین از شیوه های رایج مقاومت روزانه زنان است. حمل کردن پرچم فلسطین در دوران انتفاضه اول جرم تلقی می شد. در آن سال ها زنان پرچم فلسطین را بر لباس های خود می دوختند.



«بنویس من یک عرب هستم.» از شعر محمود درویش خطاب به سرباز صهیونیستی.

تطریز به شکل خارق العاده ای مادی است - دیداری، لمسی، شخصی شده، پر زحمت و سیاسی. وقتی به دگرگونی های تاریخی سوزن دوزی فلسطینی از سال ۱۹۴۸ تا به امروز نگاه می کنیم در آنها نمایه هایی غنی و پویا از ملی گرایی میراث محور، مقاومت مسلحانه، قدرت اقتصادی نوپا و به چالش کشیدن خشونت زیرساختی و فرهنگی رژیم صهیونیستی می بینیم.

زنان فلسطینی در تمام این سال ها قدرتمندانه در برابر تصویر سازی از هنر دستانشان به عنوان یک شیء عتیقه، سنتی و حاشیه ای مقاومت کرده اند و کوشیده اند تا آن را در قالب یک «اقتصاد اجتماعی» که ریشه در مجموعه ها، گروه ها و کارخانه های خودگردان زنان دارد، حفظ کنند.



علاوه بر این، کار زنان سوزن دوز فلسطینی یک سیاست جنسیتی از زندگی و بیان و تجسم حکمرانی بومی فلسطین است. حاکمیت بومی لزوماً مبتنی بر مرزها نیست بلکه بر تاریخ، تجربیات و سنت هایی متمرکز است که جوامع بومی را به سرزمین و فضای خود متصل می کند؛ حفظ تجربیات آوارگان و یادبود روستاهای تخریب شده یا خالی از سکنه در سال ۱۹۴۸.

این فولکلورها پارامترهایی را برای تثبیت اصالت فرهنگی فلسطین تعیین می‌کنند. جنبش مقاومت معاصر، که در آن زنان به ویژه زنان دهقان چهره‌های مرکزی آن هستند.



سوزن دوزی: تجسم حکمرانی بومی

پژوهش‌های کنونی در زمینه بازتولید اجتماعی بر نقش زنان در مورد فرزندآوری و مراقبت از کودکان و/یا جامعه تمرکز دارد. در فلسطین، ابزار متفاوتی که از طریق آن بازتولید اجتماعی بر زندگی و سیاست تأثیر می‌گذارد، تداوم/حفظ فرهنگی در برابر سلب مالکیت و پاکسازی قومی است. تاریخ نگاران فولکلور فلسطینی به مواردی استناد می‌کنند که زنان از طریق شیوه‌های بقای روزمره خود، سیاست زندگی را از طریق بازتولید اجتماعی ایجاد کرده‌اند.

دیدیه فاسین انسان‌شناس برای اولین بار از اصطلاح «سیاست زندگی» برای اشاره به درکی از سیاست نه از بیرون (یعنی دولت یا نهادها)، بلکه از درون و «در بطن تجربه‌های» روزمره استفاده کرد. این ایده به ما کمک می‌کند چگونگی عملکرد زنان عادی در

زندگی روزمره‌شان را بفهمیم. در این جا زنان به عنوان بازیگرانی خارج از سیاست رسمی عمل می کنند. این سیاست زندگی تجسمی از یک حکمرانی است که به مرزها و دولت ها محدود نمی شود.



زن مسیحی فلسطینی

نمونه های پیشرو

نوال اسلمیه موسس یک تعاونی غیرانتفاعی تجارت منصفانه فلسطینی در الخلیل است. او پس از زندانی شدن همسرش و درگذشت او به فاصله کوتاهی پس از آزادی از زندان (در اثر شکنجه های روحی و جسمی) تصمیم گرفت منابعی را برای زنان در منطقه الخلیل فراهم کند تا برای خود و خانواده‌شان از طریق تولید و فروش اقلام صنایع دستی فلسطینی درآمدی کسب کنند. آنها فعالیت خود را با یک میز کوچک در امتداد گذرگاه اصلی بازار قدیمی الخلیل در سال دو هزار و پنج شروع کردند و حالا صد و پنجاه عضو و یک مکان دائمی در بازار شهر قدیم از لمان خود دارند. آنها همین طور توانسته اند با ذخیره کردن بخشی از سود فروش صنایع دستی خود

در انجمن تعاونی ایدنا یک مرکز اجتماعی کوچک در روستایی که زندگی می کنند افتتاح کنند، جایی که اعضای انجمن می توانند برای انجام کارهای خود دور هم جمع شوند، در برنامه های آموزشی شرکت کنند و با یکدیگر معاشرت کنند.



نوال اسلمیه

نوال، در سال گذشته به همت کمپین همبستگی با فلسطین در ایرلند و اتحادیه کارگران حامی فلسطین به شهرهای دری و بلفاست سفر کرد تا درباره زندگی و چالش های کار تعاونی ها در فلسطین اشغالی از جمله افزایش خشونت شهرک نشینان در ماه های اخیر سخن بگوید. نوال با روایت تجربه زیسته خودش و سایر خانواده های زندانیان، ما را با اقتصاد سیاسی زندان آشنا کرد. ما دریافته ایم که اسراییل با به اسارت گرفتن هزاران مرد و نوجوان پسر فلسطینی، در تلاش برای ناممکن کردن حیات اقتصادی خانواده های آنها است. اینجاست که تعاونی های زنان نه تنها نقش مهمی در شکل گیری اقتصاد اجتماعی داشته اند، در جنبش آزادی بخش فلسطین و تداوم مقاومت نیز از نقشی بی بدیل برخوردارند.



انجمن زنان ایدنا یک پروژه سوزن دوزی است که در سال ۱۹۹۸ توسط گروهی از زنان در ایدنا، روستایی دورافتاده در ناحیه الخلیل، تأسیس شد. این زنان مهارت‌هایی را در طراحی محصول، دوخت، کنترل کیفیت، موجودی و مدیریت مالی آموختند تا فرصت‌های درآمدزایی مورد نیاز را برای زنان روستا فراهم کنند.

امروزه انجمن از یک اتاق محقر به یک کارگاه مجهز به ماشین آلات و میز کار تبدیل شده است. بسیاری از زنان نان آور خانواده هستند که امکان تحصیل در دانشگاه را برای دخترانشان فراهم کردند، فرصتی که برای خودشان فراهم نشد.

برخی از این تعاونی‌ها به عنوان تجارت منصفانه ثبت شده‌اند و برخی دیگر دستمزدهای زندگی محلی را پرداخت می‌کنند. با این حال، تحقیقات نشان می‌دهد که زنان به طور متوسط تنها ۱۰ تا ۲۵٪ از کل قیمتی که سوزن دوزی به فروش می‌رسد دریافت می‌کنند. این بدان معناست که کالایی که به قیمت ۵۰ دلار فروخته می‌شود، به طور متوسط بین ۵ تا ۱۲.۵ دلار برای گلدوزی خود برای روزهایی که ممکن است کار کرده باشد، به زنان سوزن دوز تعلق می‌گیرد.

با توجه به واقعیت هزینه‌های بالای زندگی در فلسطین، لبنان و اردن، زنان سوزن دوز اغلب نمی‌توانند از آنچه خود تولید می‌کنند بهره‌مند بشوند یا آن را بپوشند، و اغلب به سایر اشکال درآمد هم وابسته می‌مانند.

برخی از موسسات هم سیاست «پرداخت به ازای هر قطعه» را اعمال می‌کنند. این بدان معنی است که هر چه زن بیشتر سوزن دوزی کند، درآمد بیشتری کسب می‌کند. اما این سیستم مخاطره‌آمیز او را آسیب‌پذیر می‌کند. در مواقعی که او بیشتر به پول نیاز دارد، مانند مراقبت از یک کودک بیمار یا حمایت از والدین سالخورده و در نتیجه کمترین توانایی کار را دارد ممکن است اصلاً دستمزد دریافت نکند.



استثمار، استعمار و در آمد

درآمد زنان سوزن دوز در لبنان بین ۳۳ تا ۱۰۰ دلار در ماه است. این در آمد در کرانه باختری اشغالی، قدس اشغالی و اراضی اشغالی ۱۹۴۸ بین ۵۰ تا ۱۵۰ دلار می باشد.

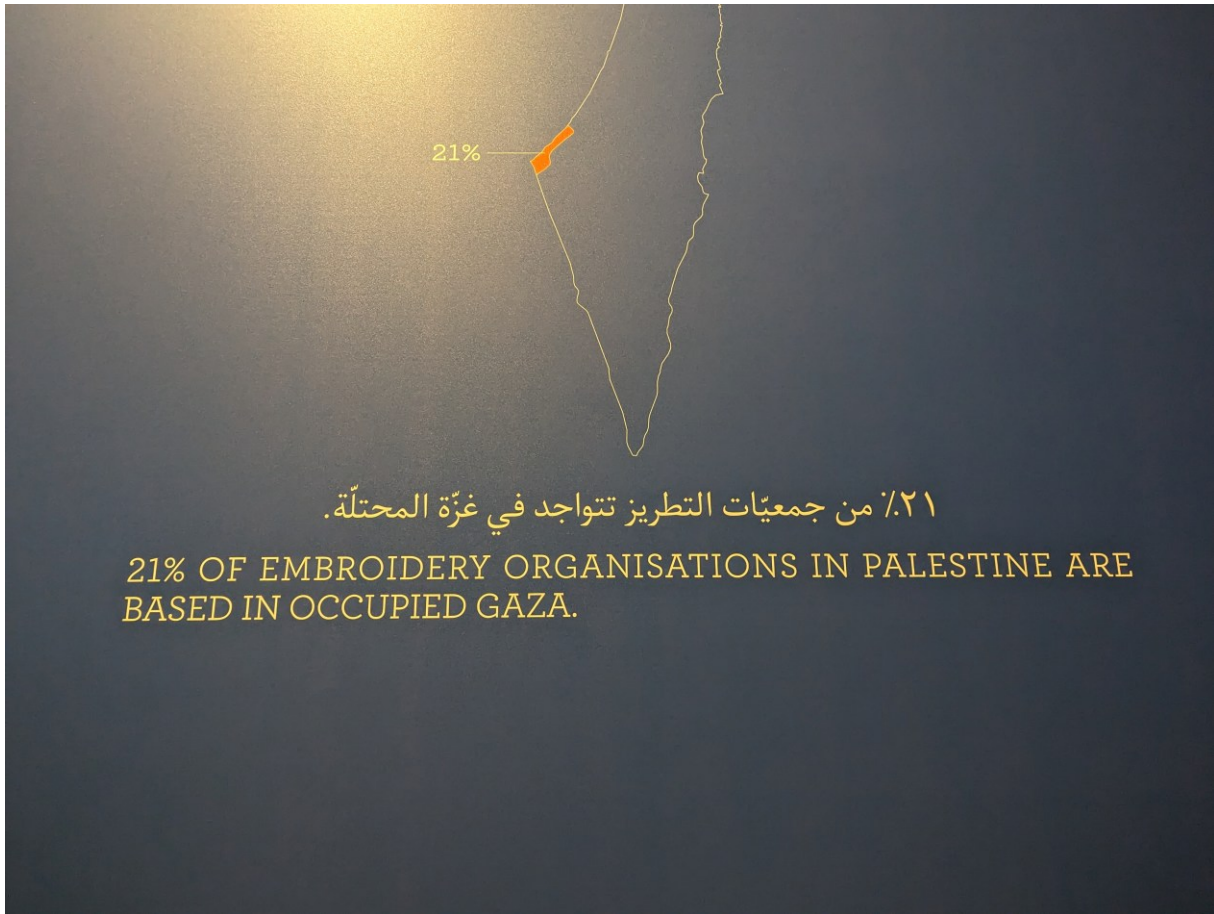
Two-thirds of Palestinian embroidery (*tatreez*) organisations are based in Palestine, while the rest can be found in countries with large Palestinian refugee populations, such as Lebanon, Jordan, and Syria. However, *tatreez* products are sold all over the world through hundreds of organisations, shops, and trade partnerships.

فلسطين	Palestine
الأردن	Jordan
لبنان	Lebanon
الإمارات العربية المتحدة	UAE
مصر	Egypt
سوريا	Syria
الكويت	Kuwait
تونس	Tunisia
قطر	Qatar
المملكة العربية السعودية	Saudi Arabia
المملكة المتحدة	UK
الولايات المتحدة الأمريكية	USA
كندا	Canada
ألمانيا	Germany
فرنسا	France
إيطاليا	Italy
بلجيكا	Belgium
لوكسمبورغ	Luxembourg
سويسرا	Switzerland
النرويج	Norway
أستراليا	Australia
نيوزيلندا	New Zealand
اليابان	Japan
البرازيل	Brazil
تشيلي	Chile

شکافی بین قیمت های تعیین شده توسط سازمان ها و حقوق پرداختی به زنان وجود دارد. اگر سازمانی انتفاعی باشد، شرکت این پول را به عنوان سود جذب می کند. اگر سازمان انتفاعی نباشد، درآمد حاصل از آن به مؤسسه برگشت داده می شود و هزینه های جاری آن را پوشش می دهد و سایر انواع حمایت ها را برای زنان سوزن دوز تأمین می کند.

موسسات تطریز به زنانی که برای آنها و خانواده هایشان کار می کنند خدمات حیاتی زندگی را ارائه می دهند. با این حال، این خدمات به ندرت به زنان ابزاری می دهد که آنها را از نظر اجتماعی و سیاسی در رابطه با خانواده و جامعه توانمند کند.

۲۱ درصد از تمام سازمان های سوزن دوزی در فلسطین در غزه مستقر هستند، اما زنان سوزن دوز در آنجا کمترین درآمد را از هم تاییان خود در نقاط دیگر دارند. این به دلیل عوامل متعددی است، حصر، عدم دسترسی به تجارت آزادانه، و پایین بودن تقاضا، همچنین درآمد موسسات سوزن دوزی با نیروهای بازار ارتباط مستقیم دارد: در جایی که سطح فقر بالا باشد سازمان های بیشتری برای اشتغال زایی به زنان ایجاد می شود. زمانی که مشاغل سوزن دوزی در یک بازار رقابت کنند و قیمت ها کاهش می یابد، زنان دستمزد کمتری دریافت می کنند و لزوماً فقر کاهش نمی یابد.



مرکز سوزن دوزی Sulafa در شهر غزه واقع شده است و فرصت های درآمدزایی را برای صدها زن پناهنده از طریق شبکه ای از ۹ مرکز اجتماعی در سراسر نوار فراهم می کند. این یک پروژه غیرانتفاعی است که توسط آنروا (سازمان امداد و کار سازمان ملل برای پناهندگان فلسطینی) در سال ۱۹۵۰ به عنوان بخشی از برنامه خدمات اجتماعی تأسیس شد. هدف سولافا فراهم کردن درآمد برای زنان پناهنده نوارغزه و اطمینان از زنده نگه داشتن هنر سنتی تطریز است. سلافه برای گلدوزی با کیفیت بالا مشهور است. هنر پیشه و روحیه مقاوم زنان غزه در برابر هر شرایطی در زیبایی محصولات آنها منعکس شده است.

چنانچه وداد کامل کوار، سوزن دوزی فلسطینی، می گوید:

«تطریز به عنوان یک کنش فرهنگی به سفیر جهانی فلسطین تبدیل شده است. زنانی که تکه های فلسطین را در سراسر جهان گلدوزی می کنند، از نظر سیاسی فعال تلقی نمی شوند زیرا دیده نمی شوند، کار آنها در سکوت و در خانه انجام می شود، اما کار آنها ستون فقرات فرهنگ و میراث فلسطین است. سوزن دوزی به عنوان بیان مادی تجربه، تاریخ و هویت فلسطینی عمل می کند. تطریز عامل پیوند تاریخی و فرهنگی مشترک فلسطینیان در سرتاسر جهان است و حفظ فرهنگی و تداوم فرهنگی را در مواجهه با محو، تکه تکه شدن و سلب مالکیت ممکن می سازد و حاکمیتی غیردولتی ایجاد می کند.»



روز جهانی زنان در غزه مارس ۲۰۲۳

در دوره نسل کشی



Mandeely Ya Mandeely

14 June 2024—30 September 2024

A Tribute to Maryam and Abdullah, the Martyr
Bride and Groom of Gaza

[READ MORE](#)

مندیلی یا مندیلی

ادای احترام به مریم و عبدالله، عروس و داماد شهید غزه‌این نمایش به مریم و عبدالله اختصاص دارد که دو روز پس از ازدواجشان در حمله هوایی به دست نیروهای اشغالگر اسرائیل کشته شدند. در این نمایشگاه لباس سنتی روستای قسطنینا که در سال ۱۹۴۸ خالی از سکنه شد و دستمال‌های سنتی عروس که توسط زنان در اردوگاه پناهندگان غزه در اردن ساخته شده بود، به نمایش گذاشته می‌شود.

ما در حال حاضر شاهد وقوع نسل‌کشی در غزه هستیم. و حاملان میراث‌های بافندگی و سوزن‌دوزی بومی و خانواده‌هایشان مجبور به ترک خانه و ابزارهای گرانبهای خود شده‌اند، بسیاری از هنرمندان تطریز و آثار آنها هم اکنون در بقایای محلی که زمانی خانه آنها بود دفن شده‌اند.

شبکه ای از بافندگان و سوزن دوزان در اردن و نوار غزه که زمانی پر رونق بود، در حال کوچک شدن است و دیگر قادر به انتقال تکنیک ها به نسل جدید نیستند. تطریز، همچوم فلسطین امروز در معرض نابودی است.



در روزهایی که از همبستگی با فلسطینی ها سخن می گوئیم باید به یاد آوریم که استعمار همچنان که مبنای سیاسی دارد، اقتصادی نیز هست. ما نمی توانیم بدون صحبت از استعمار اقتصادی و اجتماعی فلسطینی ها توسط صهیونیسم و استثمار مردم بومی و مستعمره شده توسط سرمایه داری استعماری و رابطه میان امپریالیسم و استثمار در در سراسر جهان، از همبستگی با فلسطین سخن بگوئیم. درک این پیوستگی برای مبارزه جمعی ما و برای آزادی و عدالت، اساسی است.